

کدام یک از این تفسیرها با توجه به متن برجام معتبرتر است؟ در حقوق بین الملل رسیدن به نظر تفسیری صائب چگونه است؟ در بررسی موارد مشابه یکی از گزینه‌های مطرح، اخذ نظریه از دیوان بین المللی دادگستری بود.

موضوع تفسیر بسیار مهم است و عدم توافق بر سر این، برداشت خیلی‌ها را دچار مشکل می‌کند. در حقوق معاهدات خود تفسیر معاهده بخشی از علم حقوق است. تفسیر هم بدون ضابطه نیست و معیار و شاخص‌های دقیقی برای تفسیر وجود دارد. چگونه می‌شود از متنی که تازه امضا شده و زمانی هم از آن نگذشته است، بلافاصله دو برداشت اعلام شود؟ حتی متن ترجمه‌های طرفین متفاوت بود! آمریکا می‌گوید ما حق داریم که بیابیم و تحریم‌ها را برگردانیم؛ چرا چون ایران برجام را نقض کرده است. آمریکا این است که می‌تواند تحریم‌ها را برگرداند؛ وقتی ترامپ از برجام خارج شد تحریم‌های جدیدی را اعمال کرد، الآن هم می‌گوید که می‌توانم تحریم‌ها را برگردانم؛ پس تلاش می‌کند از طریق شورای امنیت این کار را انجام دهد و ما می‌گوییم نه آمریکا نمی‌تواند!

وقتی شما یک طرفه خارج شدی نمی‌توانی دیگر ایران را تحریم کنی؛ اما آمریکا می‌گوید از برجام خارج شده‌ایم ولی وقتی قطعنامه صادر می‌شد عضو شورای امنیت بودیم، این قطعنامه آنجا تصویب شد؛ ولی ما هنوز عضو شورای امنیت هستیم. این قطعنامه نقض شده، اما آمریکا هنوز هم این حرف را می‌زند که این پذیرفته شده نیست! حقوق بین الملل برای شورای امنیت وظایفی تعیین می‌کند و آنجا قطعنامه‌ها صادر می‌شود و توجه به وضعیت موجود هست و مکانیسم‌هایی در برخورد وجود دارد و برجام و قطعنامه یکی نیستند و این طور نیست که خروج آمریکا از برجام به مثابه خروج از قطعنامه نباشد. این طور نیست که بگوییم آمریکا از برجام خارج شده ولی در قطعنامه هست. قطعنامه در شورای امنیت تصویب شده، اما بعد از قطعنامه مذاکرات انجام شده است و آمریکا حق ندارد همچنان خود را عضو بداند. قطعنامه آمده و کنار برجام به عنوان ضمانت قرار گرفته است. در حقیقت کسی که در شورای امنیت است نمی‌تواند به هر شکلی راجع به برجام صحبت کند؛ این خیلی روشن است اگر

شما به کنوانسیون‌ها و معاهدات هم دقت کنید آنجا راجع به معاهده مواردی را ذکر کرده است.

این پذیرفته نیست که کسی از یک طرف از تعهداتش شانه خالی کند و از طرف دیگر خواهان این باشد که حقوقش انجام شود. اگر طرفین بر موضوع توافق کردند نمی‌شود یک کشور بیاید بگوید من تعهد را انجام نمی‌دهم؛ اما حقوقمان را بدهید. پذیرفته نیست و منطق عقل نمی‌پذیرد! اینجا آمریکایی‌ها با قدری خارج شده‌اند و اصولاً در این دوره جدید نهضت خروج از معاهدات بین المللی راه انداخته‌اند، هر جا حس می‌کنند به نفعشان نیست و منافع نامشروع آنان تأمین نمی‌شود خارج می‌شوند. چطور می‌شود که کشوری منافع خودش را ببیند و بدون ضابطه از پیمان پاریس خارج شود که پیمان محیط زیستی جهانی است و همه دنیا با آن توافق کرده‌اند تا وضعیت محیط زیست بهبود پیدا کند گازهای گلخانه‌ای و آلاینده‌ها کمتر شود؟ توافق بر سر منافع جهانی برای همه دنیا است، آمریکا از برجام و از توافق موشک‌های میان برد خارج می‌شود و از موافقت‌نامه با روسیه هم خارج می‌شود، نتیجه آن هم ناامنی بیشتر برای کره زمین و مردم است. از این دست مثال‌ها هم زیاد است. سازمان تجارت جهانی اختلافات را بررسی می‌کند؛ اما اگر آمریکایی‌ها به ضررشان باشد می‌گویند ما خارج می‌شویم. ملاک از نظر رئیس جمهور آمریکا منافع نامشروع آمریکا است؛ چون منافع مشروع تعریف دارد و هر کشوری دنبال آن است که منافع مشروعش را تأمین کند. آمریکا فکر می‌کند دنیا محله‌ای است که ایشان در آن محله قدرت دارد. متأسفانه در حقوق بین الملل شاهد این گونه حرکت‌ها بوده‌ایم؛ صدام با چراغ سبز آمریکا آمد به ما هشت سال تجاوز کرد و همه دنیا در جنگ شرکت کردند و هر چه در توان داشتند، در پشتیبانی از صدام آوردند و این عجیب است. به تعبیری اگر ما انقلاب اسلامی را به مثابه یک شخصیت در نظر بگیریم در تقابل با ظلم و استکبار مانند امام حسین (ع) و یارانش که در قیام علیه ظلم و بیداد و کفر و الحاد هر چه داشتند سلاح علیه او به کار گرفت؛ یکی شمشیر، خنجر، سرنیزه و غیره و در جنگ تحمیلی هم این گونه شد؛ آمریکایی‌ها پیشرفته‌ترین سلاح جهان را فرستادند و کشورهایی که سلاح پیشرفته

نداشتند سرباز فرستادند، ۴۶ کشور که نیروی مناسب و رزمنده نداشتند، پول دادند، عربستان، امارات و کویت میلیاردها دلار پول به صدام دادند و کمک کردند برای اینکه از ریشه و بنیان ایران را بزنند که البته اراده خدا بر این بود که نشود؛ وگرنه هشت سال جنگ را هر کشوری تحمل کرده بود الآن از صفحه جغرافیای روزگار محو شده بود.

پژوهشکده تحقیقات راهبردی؛ چه سازوکاری قرار است ما را به آن تفسیر صائب برساند؟ چون در ظاهر استدلال‌هایی هم مطرح می‌شود، آمریکا می‌تواند بگوید من به عنوان مشارکت‌کننده اولیه امکان استفاده از این را دارم، چطور می‌توانیم شبیه تفسیر دیوان بین المللی دادگستری را داشته باشیم؟

ما در حقوق بین الملل دیوان را به عنوان مرجعی که نظر مشورتی دهد داریم. با سازوکار مشخص که اینجا هم این امر محتمل است. اگر دو طرف دیوان را به عنوان مرجع حل اختلاف

”حقوق بین الملل برای شورای امنیت وظایفی تعیین می‌کند و آنجا قطعنامه‌ها صادر می‌شود و توجه به وضعیت موجود هست و مکانیسم‌هایی در برخورد وجود دارد و برجام و قطعنامه یکی نیستند و این طور نیست که خروج آمریکا از برجام به مثابه خروج از قطعنامه نباشد. این طور نیست که بگوییم آمریکا از برجام خارج شده ولی در قطعنامه هست. قطعنامه در شورای امنیت تصویب شده، اما بعد از قطعنامه مذاکرات انجام شده است و آمریکا حق ندارد همچنان خود را عضو بداند.“

توافق می‌کردند، به عنوان یک نهاد حل و فصل کننده خوب بود و اکنون می‌توانستد بپرسند نظر دیوان چیست؛ اما استدلال آمریکا درست نیست؛ چون عضو شورای امنیت است، اما عضو برجام به این شکل نیست. آمریکا حتی آن قطعنامه را هم به عنوان عضو شورای امنیت نقض کرده است؛ یعنی اگر هم بپذیریم آمریکا زمان اعلام تحریم‌ها عضو بوده، الآن عضو برجام نیست. برجام جدای